

محمدکریم محمدی^۱

جلیل کریمی^۲

قدرت احمدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

چکیده

سوریه برای کشور ما دارای اهمیت راهبردی است. ظهور ناگهانی کردهای سوریه در متن تحولات سیاسی منطقه، در یک بازه زمانی فشرده، به‌ویژه بعد از تحولات ۲۰۱۱ سوریه که ابعادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یافت، توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب نمود. کردهای سوریه که تا قبل از بحران، به‌مثابه اشباحی نامرئی مورد توجه بودند، ناگهان به‌صورت یک بازیگر جدی در تحولات ظاهر شدند. این مقاله قصد دارد با رویکردی تاریخی و در چارچوب نظریه گفتمان، به این پرسش پاسخ دهد که کردها در سوریه چگونه به حاشیه رانده شده و چگونه به متن برگشتند؟ در پاسخ به این پرسش، نگارندگان با واکاوی پس‌زمینه‌های تاریخی به حاشیه رانده شدن کردها و بررسی متن گفتمانی آنها به صورت‌بندی این فرضیه پرداخته است که: مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، همچون سیاست‌های دوران قیومیت، تحولات دوران گذار، بعث و مناسبات کردی-سوری از مهمترین عوامل به حاشیه‌رانی کردها بوده است. از دیگر سو از منظر گفتمانی، اتخاذ گفتمان کنفدرالیسم دموکراتیک به‌جای گفتمان ناسیونالیستی، بعد از تحولات سال ۲۰۱۱، نقش مهمی در به متن آمدن کردها در شمال سوریه داشته است. از مهمترین یافته‌های این پژوهش، توجه به نقش چرخش گفتمانی در تحولات شمال سوریه بوده است و می‌توان گفت در صورت تثبیت وضعیت موجود در شمال سوریه و هژمونیک شدن این گفتمان، تبعات و پیامدهای منطقه‌ای زیادی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سوریه، کردها، بعث، گفتمان، کنفدرالیسم دموکراتیک.

MK-M4453@yahoo.com
jkarimi79@gmail.com
ghudratt@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی.
۲. عضو هیات علمی دانشگاه رازی.
۳. عضو هیات علمی دانشگاه رازی.

غلامعلی چگینی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۵

سیدرضا موسوی نیا^۲ فرشید ایمنی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۰

چکیده

از زمان تشکیل سه کشور ترکیه، سوریه و عراق، حوزه رودخانه‌های دجله و فرات همواره تنش‌های مختلف آبی را تجربه کرده است؛ به‌علاوه اجرای پروژه‌های آبی متعدد از سوی این کشورها (به‌خصوص کشور ترکیه) بر شدت این تنش‌ها افزوده است. اتمام پروژه‌های GAP و تغییر آب و هوایی در سطح گسترده و متعاقب آن تنش‌های ناشی از کاهش شدید منابع آبی، می‌تواند به زمینه‌ای برای بروز تنش‌های سیاسی میان کشورهای ترکیه، سوریه و عراق تبدیل شود که در این پژوهش با بهره‌گیری از این فرضیه به بررسی تاثیر این موضوع بر روابط سیاسی میان کشورهای این حوزه آبی پرداخته می‌شود. در این مقاله وضعیت آب در هر سه کشور و تنش‌های آبی داخلی و منطقه‌ای میان آنها با استفاده از نظریه مکتب کپنهاگ در ابعاد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نیز نشان می‌دهد که موضوع مناقشات آبی در این حوزه به‌دلیل تاثیرگذاری بر صنعت کشاورزی، افزایش بیکاری، فقر، مهاجرت، خشک شدن تالاب‌ها و رودها، شکل‌گیری پدیده گرد و غبار و بحران مشروعیت، چهار بعد امنیت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) را با خطر جدی مواجه نموده است. با این وجود به‌دلیل ضعف نظامی دو کشور عراق و سوریه و توان بالای ارتش ترکیه نسبت به این دو کشور، نمی‌توان احتمال تهدید امنیت نظامی را در آینده‌ای نزدیک متصور بود.

واژگان کلیدی: مناقشات آبی، ترکیه، سوریه، عراق، مکتب کپنهاگ، امنیت آبی.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. chegnizadeh@yahoo.com
 ۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. seyedreza_mousavi54@yahoo.com
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. f.imani.63@gmail.com

احسان اعجازی^۱ / ارسلان قربانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۰

رضا سیمبر^۳ / احمد جانسبز^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۵

چکیده

سیاست خارجی تهاجمی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) را می‌توان ناشی از بنیان‌های درونی سیاست خارجی این کشور به حساب آورد. یکی از این بنیان‌های درونی، لابی‌های متعدد فعال در نظام سیاسی-اقتصادی ایالات متحده می‌باشد. برای تبیین سیاست خارجی ایالات متحده بر اساس بنیان‌های درونی‌اش، می‌توان از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بهره گرفت. در سال‌های اخیر همگرایی عمیقی بین لابی‌های صهیونیستی و عربی در جهت مقابله با منافع جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که هر دوی آنها در تلاش هستند تا قوای سه‌گانه در آمریکا را برای اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی اقناع کنند. بر همین اساس نویسندگان این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستند که لابی‌های صهیونیستی-عربی چه تاثیری بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) داشته‌اند؟ نویسندگان مقاله با بکارگیری روش کیفی، مطالعه موردی درصدد هستند تا تاثیر هم‌زمان لابی صهیونیستی عربی بر رویکرد ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای را بسنجند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با ایران، لابی‌های صهیونیستی-عربی در سال‌های اخیر به هدفی مشترک دست پیدا کرده‌اند؛ آنها درصدد ترغیب نخبگان سیاسی-اقتصادی ایالات متحده برای پیگیری سیاست‌های ضد ایرانی از جمله تصویب قوانین تحریمی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، لابی صهیونیستی، لابی عربی.

ehsan.ejazi@gmail.com
arsalanh@yahoo.com
rezasimbar@hotmail.com
Jansiz@guilan.ac.ir

۱. دکتری روابط بین‌الملل، از دانشگاه گیلان.
۲. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی.
۳. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان.
۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان.

نکته: این مقاله برگرفته از رساله دکتری احسان اعجازی با عنوان «بنیان‌های درونی سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) با راهنمایی دکتر ارسلان قربانی و دکتر رضا سیمبر و مشاوره دکتر احمد جانسبز است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰

حسن مومنی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

احمد/پیرانخواه^۲

چکیده

موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی و عوامل اجتماعی استقرار یافته، خاورمیانه را تبدیل به منطقه‌ای استراتژیک کرده است؛ زیرا این قلمرو در مرکز سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته و کوتاه‌ترین راه‌های هوایی و آبی اروپا و آسیا از آن می‌گذرد. از این‌رو بررسی ابعاد گوناگون و تاثیرات منطقه‌ای فضای ماوراء جو بسیار ضروری است. اصطلاح ماوراء جو برای نخستین بار توسط اتحاد جماهیر شوروی در ۴ اکتبر ۱۹۵۷، مطرح گردید و در دهه‌های معاصر نیز درباره آن پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ بنابراین عصر کنونی ظهور تکنولوژی پیشرفته است که به سرعت در حال توسعه و گسترش می‌باشد، از این طریق دستیابی به فضاهای ماوراء جو نیز میسر شده است. در حال حاضر منطقه خاورمیانه دچار رقابت بسیار شدیدی است و کشوری که بتواند بر علوم مختلف، به‌ویژه فضای ماوراء جو تسلط بیشتری داشته باشد، جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت؛ لذا شناخت و مطالعات در این بعد برای همگان بسیار مهم تلقی می‌شود و با توجه به شرایط کشور ایران در راستای پیشرفت‌های تکنولوژی و پیگیری برنامه‌های هوا- فضا این شناخت نفوذ سیاسی- اجتماعی ایران را افزایش داده و قدرت منطقه‌ای و حتی بین‌المللی این کشور را مضاعف خواهد نمود.

واژگان کلیدی: ماوراء جو، قدرت ژئوپلیتیکی، تکنولوژی فضایی، منطقه خاورمیانه.

۱. دانش‌آموخته جغرافیای انسانی- شهری و دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی. std_hmomeni@khu.ac.ir
 ۲. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و کارشناسی ارشد مخاطرات محیطی. دانشگاه تهران.

سعید عطار^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰

الهام رسولی ثانی/آبادی^۲ طیبه اکبرآبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲

چکیده

تحولات سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه خلیج فارس باعث تشدید رقابت و تعارض بین ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌خصوص عربستان شده است؛ به‌طوری‌که برخی از این کشورها تلاش کرده‌اند ائتلاف‌ها و اتحادهای عربی، مانند طرح ارتش مشترک عربی (ناتوی عربی) تشکیل دهند. این تشدید رقابت و تعارض از طریق شکل دادن به ائتلاف را می‌توان در چارچوب «موازنه تهدید» استفن والت مورد بررسی قرار داد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که بر اساس متغیرهای چهارگانه والت در نظریه موازنه تهدید، چه زمینه‌هایی برای شکل‌گیری طرح ناتوی عربی وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در طی سال‌های اخیر به‌دلیل تشدید سویه منفی هر چهار متغیر اصلی قدرت، مجاورت، قابلیت تهاجمی و نیت تهاجمی در روابط ایران و کشورهای عربی چون عربستان، زمینه‌های شکل‌گیری ناتوی عربی فراهم شده است. ناتوی عربی می‌تواند به امنیتی‌تر شدن ایران در منطقه منجر شود و مسیر توسعه اقتصادی کشور را با مشکلات جدیدی مواجه کند. بنابراین، طرح‌ریزی سیاست‌های مدون برای جلوگیری از تشکیل چنین اتحادی و طرح همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی با برخی کشورهای عرب دارای منافع مشترک با ایران، اقداماتی هستند که می‌توانند خطرات موازنه تهدید عربی در مقابل ایران را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: موازنه تهدید، اتحاد و ائتلاف، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، طرح ناتوی عربی، ایران.

S.attar@yazd.ac.ir
rasooli@yazd.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد.
۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد.

میلا کئی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

چکیده

از سال ۱۹۴۹ تاکنون که اسرائیل و ترکیه روابط خود را آغاز کرده‌اند مناسبات آنها از روابط کشورهای عربی و اسرائیل بسیار متاثر بوده است. بعد از یک دهه روابط نزدیک اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی روابط دوجانبه آنها در سال ۲۰۰۰ تیره شد. انتفاضه دوم، قدرت گرفتن اردوغان و حزب عدالت و توسعه، جنگ دوم لبنان و درگیری اسرائیل و نوار غزه همگی مواردی‌اند که موجب تیرگی روابط شدند. دلایل اقتصادی و امنیتی زیادی برای همکاری ترکیه و اسرائیل وجود داشته و دارد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با بررسی زمینه‌های روابط ترکیه و اسرائیل نشان می‌دهد، با وجود منافع مشترک، تفاوت رویکردهای سیاسی دو کشور مانع حل و فصل اختلافات به‌طور کامل می‌شود. گرچه مصالحه سال ۲۰۱۶ گمان همکاری‌های دوجانبه سال‌های گذشته را برانگیخت؛ اما هنوز زود است که بتوان از همکاری گسترده امنیتی و دیپلماتیک صحبت کرد. مدعای این مقاله این است که تا زمانی که حزب عدالت و توسعه در ترکیه قدرت را در دست دارد، روابط دیپلماتیک در سطح محدودی باقی می‌ماند. چنانکه به لحاظ تاریخی تمایز قایل شدن میان منافع اقتصادی و تفاوت‌های سیاسی برای دو کشور ممکن بوده است.

واژگان کلیدی: اسرائیل، ترکیه، خاورمیانه، فلسطین، امنیت منطقه‌ای.

M.kiaei313@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.